

«نواقص زندان‌های کوتاه‌مدت»

در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس هر چند که اعمال مجازات باید مطابق قانون باشد و آن هم قانونی که قبل از وقوع جرم تصویب و لازم‌الاجرا شده است، ولی با توجه به تعریف مجازات‌های تعزیری که در ماده (۱۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر داشته: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق، که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کم‌تر باشد» و این که قانون‌گذار حبس، جزای نقدی و شلاق را احصاء نموده، دلیلی ندارد که قاضی محکمه نتواند از مجازات‌های دیگر یعنی مجازات‌های جایگزین حبس که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و شخصیت مجرم و جرم ارتكابی به نفع متهم می‌باشد، استفاده کند؛ زیرا بیان موارد مذکور تمثیلی است و به اعتقاد این جانب قاضی محکمه می‌تواند با استفاده از همین ماده‌ی قانونی در جایی که مجازات جایگزین حبس را به نفع متهم احساس کرده و تشخیص دهد که متهم از این طریق بهتر می‌تواند اصلاح و تربیت شود و به زندگی سالم خویش ادامه دهد، می‌تواند از آن استفاده کند.^(۱)

مواردی از مجازات‌های جایگزین حبس‌های کوتاه‌مدت به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود: (الف) توسعه‌ی اخذ جریمه نقدی به قدر وسعت مالی مجرم به جای اعمال مجازات‌های حبس کوتاه‌مدت

بسیار معقول و پسندیده به نظر می‌رسد. منتها بایستی این مسئله را در نظر گرفت که میزان جزای نقدی تعیین شده بایستی به حدی بالا باشد که مجرم به جهت عدم توانایی پرداخت، مجدداً در راستای اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی زندانی شود و هم چنین نباید به حدی پایین باشد که مجرم به راحتی آن را پرداخته و احساس و ترس صدمه مالی برای دفعات بعدی ارتکاب جرم را نداشته باشد. در خصوص مجرمینی که توانایی پرداخت جریمه را ندارند پیشنهاد شده که نظافت محل‌های عمومی، نظامی، مساجد و ... به عهده‌ی آن‌ها گذاشته شود. البته نوع تقصیر و محل کار مقصر نیز باید مدنظر گرفته باشد. آقای دکتر اردبیلی معتقدند بدون شک جامعه محکومان به زندان را شدیدتر از محکومان به جزای نقدی تقبیح می‌کند؛ بنابراین ننگ و سرافکنندگی مجازات زندان بیش از جزای نقدی است. علاوه بر آن جزای نقدی فاقد آثار شوم زندان، ناشی از بستر فساد اخلاقی زندانیان و جدایی محکوم علیه از خانواده خویش است.

(ب) برای مجرمین ولگرد، تکدی‌گران و بعضی از مجرمین دیگر از جمله کسانی که از نگهداری و حضانت اطفال خود، خودداری می‌کنند، شوهری که نفقه زن خود را نمی‌دهد و ... اینان توانایی انجام کار را دارند و پیشنهاد می‌شود در مؤسسه‌هایی به

انجام کار اجباری وادار شوند. (ج) استفاده از حکم تأخیری: در این روش دادگاه دست به صدور حکم محکومیت زندانی نمی‌زند؛ ولی منتظر می‌ماند تا زندانی محکوم، کاری انجام دهد؛ (مانند درمان کردن یا انجام کاری برای قربانی و زیان دیده از جرم یا برای جامعه) پس از شش ماه اگر قاضی مشاهده نمود که محکوم علیه به درمان خود پرداخته یا کاری برای مجنی علیه انجام داده و نتیجه خرسندکننده است آن شخص محکوم به زندان نمی‌شود.^(۲)

(د) یکی از جایگزین‌های مجازات حبس کوتاه‌مدت - که به تازگی در کشورمان توسعه یافته - گذراندن دوران محکومیت در چارچوب خانه است و گذراندن روزانه چند ساعت در مراکز عام المنفعه و خدمات انسانی نیز از دیگر مجازات‌های جایگزین است. چنین جایگزین‌هایی برای مجازات اطفال بزهکار از هر تنبیهی برای تربیت او بهتر خواهد بود؛ مثلاً در خصوص اطفال و نوجوانان می‌توان از انجام کار در خانه با نظارت والدین، مراجعه نوجوان بزهکار در روزهای پایانی هفته به سازمان بهزیستی برای انجام کار عام المنفعه، باغبانی در یک مؤسسه‌ی خدماتی، روزی چند ساعت ورزش کردن، به جای مجازات حبس کوتاه مدت استفاده کرد. روش فوق در مورد زنانی که مرتکب جرم شده‌اند نیز قابل اجرا می‌باشد. باید شرایطی در نظر گرفته شود تا زنانی که حضور آنها در کنار خانواده‌هایشان



بهتر و ثمربخش تر است، بتوانند دوران محکومیت خود را در درون خانواده سپری کرده و به نوعی با تعیین محدودیت هایی در خانه محصور شوند.^(۱۳)

هـ) از دیگر روش های جایگزین مجازات های حبس کوتاه مدت می توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- اخطار به مرتکب جرم، سرزنش نمودن، نصیحت کردن، اخذ جزای نقدی روزانه، کار بدون مزد، محرومیت از حقوق اجتماعی، منع اقامت در شهر محل ارتکاب جرم، لغو پروانه کسب یا فعالیت، توقیف وسیله و... ۲- استفاده از قرار تعلیق تعقیب به استناد ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب خرداد ماده (۱۳۵) (۱۴):

با توجه به شرایط مذکور در بندهای سه گانه ی ماده مورد بحث و عدم وجود نص صریح قانونی در نسخ مفاد ماده (۲۲) قانون مار الذکر و نظر به قانون اصلاح مواردی از قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱ و احیای دادسراها و فلسفه ی صدور قرار تعلیق تعقیب (سیاست کیفری و تلاش برای جلوگیری از تکرار جرم) می توان گفت بازپرس و یا دادیار در دادسرا می تواند پس از احراز شرایط مذکور در ماده فوق، مبادرت به صدور قرار تعلیق تعقیب متهم بنماید.

طبیعی است که با شرایط گفته شده در ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری به خصوص شرط سوم و احراز آن توسط بازپرس یا دادیار، اگر قرار تعلیق تعقیب صادر نشده و پرونده با صدور کیفر خواست به دادگاه عمومی جزایی ارسال شود، آن دادگاه به احتمال قوی با استناد به شرط سوم ماده ی مورد بحث به بند "۱" ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۷۰ استناد نموده و مجازات قانونی جرم تعزیری یا بازدارنده ی ارتكابی توسط متهم را مشمول تخفیف قرار داده و سعی خواهد کرد مجازات سبکتری از لحاظ نوع و میزان برای مجرم مقرر دارد. آیا اعمال و اجرای یک مجازات تخفیف یافته و سبک، اهمیت دارد یا این که آن مجازات را اجرا نکرده و متهم را برای حداقل ۳ سال در تهدید رسیدگی به جرم ارتكابی نگه داریم؟ زیرا مادامی که مجازات اجرا نشده است شخص متهم از رسوا شدن و تحمل مجازات نجات یافته و برای جلوگیری از افتادن در چنگ مجازات قانونی سعی خواهد کرد در طول مدت تعلیق تعقیب مرتکب جرم جدیدی نشده تا آن تعلیق اثر خود را از دست بدهد و این یعنی رسیدن به هدف سیاست جنایی که همانا اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمین می باشد. پس بهتر است قضات محترم دادسرا به ماده (۲۲) قانون اصلاح مواردی از قوانین دادگستری عنایت نموده و در موارد مذکور در ماده نسبت به متهمینی که حائز شرایط می باشند، آن را اعمال نموده و از دادن مجازات حبس کوتاه مدت توسط دادگاه ها خودداری نمایند.

۳- استفاده قضات از تعلیق اجرای مجازات در زمان صدور حکم:

با توجه به تحقیقات جرم شناسی محرز شده است که اگر از تعلیق اجرای مجازات در موارد درست استفاده شود اثرات خوبی از حیث اصلاح مجرم و عدم ارتکاب جرم در آینده توسط وی عاید جامعه و به خصوص دستگاه قضایی خواهد شد. قانون گذار قانون مجازات اسلامی هم با همین نگرش در ماده (۲۵) تا (۳۷) با پذیرش تعلیق اجرای مجازات، شرایط و نتیجه و ضمانت

اجرائی آن را بیان نموده است.^(۱۵) اگر مجازات مجرمین حائز شرایط را تعلیق نماییم، می توانیم آسان تر آنان را اصلاح کنیم؛ زیرا فرد وقتی بر رفتار و کردار خویش مراقبت بیشتری نشان می دهد که آبروی خود را کاملاً از دست نداده باشد.

انگیزه های بازدارنده رفتار ضد اجتماعی در مدت تعلیق همانا شوق معافیت از مجازات و نیز خوف از اجرای آن است. ولی وقتی مجازات به اجرا در آمد ترس از مجازات فرو می ریزد و محکوم علیه مجازات را در حق خود جاری می داند. برای دستیابی به اهداف تعلیق اجرای مجازات بهتر است تمام مجازات را معلق نماییم؛ زیرا در تعلیق قسمتی از مجازات حبس نیز به نظر می رسد این امر با هدف پیشگیری از آثار شوم زندان کوتاه مدت و نیز حفظ و تثبیت وضع اجتماعی محکوم علیه مغایرت داشته باشد.

با توجه به این که غالب مجازات های مذکور در قوانین جزایی کشورمان حبس می باشد؛ فلذا استفاده از بحث تعلیق اجرای مجازات عاملی عمده خواهد بود در کاهش جمعیت کیفری زندان ها و البته علت شناسی عدم استفاده قضات از این تأسیس خوب حقوقی خود امری ضروری در وضعیت فعلی جامعه ما به نظر می رسد.

۴- نظارت دقیق و کامل به صدور قرارهای تأمین توسط قضات دادسرا و دادگاه ها در جریان تحقیقات مقدماتی و طول دادرسی و برخورد با عده ای از قضات که بدون توجه به ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱^(۱۶) مبادرت به صدور قرارهای تأمین می نمایند که شدید بوده و یا شامل بازداشت موقت متهم می شود و یا اصالتاً قرار صادره بازداشت

در رفتار زندانبانان نسبت به زندانیان و هم چنین مقررات زندان

باید تجدیدنظر کامل به عمل آید و به نخبگان زندان آموزش صمیم داده و به آن ها توصیه شود که با زندانیان با مهربانی و شفقت و ترمیم و اصول انسانی رفتار کنند.

هیچ چیز به اندازه ی ممکنیت های کوتاه مدت در زندان های عمومی که امکان آموزش هیچ حرفه ای در آن مدت وجود ندارد، برای مجرمین، به خصوص مجرمین جوان مضر نیست.

موقت نبوده بلکه با ادعای عجز متهم از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل، یا عدم دادن التزام به حضور با وجه التزام که تبدیل به کفالت شده و به لحاظ عجز از معرفی کفیل دستور بازداشت موقت متهم را تا زمان دادن وثیقه یا معرفی کفیل یا دادن التزام به حضور با وجه التزام صادر می نمایند و چون در کشورمان محل بازداشت موقت متهمان خارج از زندان ها تدارک دیده نشده است؛ فلذا این متهمین روانه زندان شده و جمعیت کیفری آن را افزایش می دهند قابل ذکر است این جانب در طی تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ انجام داد که طی آن تعدادی پرسشنامه جهت تکمیل به حدود ۵۰ نفر از قضات یکی از شهرستان ها ارائه شده بود، در پاسخ به این پرسش که «آیا تا به حال قرار تأمین کیفری «التزام به حضور با قول شرف» را صادر کرده اند یا خیر» تنها دو نفر از ایشان اظهار داشته بودند که در موارد کم اهمیت اقدام به صدور چنین قرار تأمینی کرده اند. مابقی قضات با اعلام این که این قرار ضمانت اجرایی ندارد و برای قاضی تهمت آور است، از صدور آن امتناع کرده اند. هم چنان که گفته شد قریب ۴۳٪ از جمعیت کیفری زندان ها رادر طول یک ماه فقط متهمانی تشکیل می دهند که هنوز مجرمیت آن ها ثابت نشده و با صدور قرار تأمین در زندان به سر می برند. این آمار با ینی مسئولین دستگاه قضایی را بر آن دارد که در این خصوص اقدام به یافتن علل و موجبات صدور قرار یا قرارهای تأمینی بنمایند که منجر به بازداشت موقت بی مورد متهم می شود؛ در حالی که قضات می توانستند با صدور قرار متناسب از نوع دیگر، از زندانی شدن بی مورد متهم جلوگیری نموده و بار زیادی

بر دوش مسئولین زندان و مددکاران اجتماعی و کارشناسان آن در مواجهه با جمعیت کیفری بالای زندان نگذارند.

۵- اصلاح یا نسخ ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰/۸/۷۷^(۷۷) که به نوبه خود از سال تصویب به تدریج موجب افزایش جمعیت کیفری زندان های کل کشور بوده است؛ به طوری که عده ای از افراد، زندانی شده اند ب آن که این که عمل گناه یا مجرمانه ای را انجام داده باشند؛ برای مثال کسانی که به لحاظ داشتن بنيه مالی نفقه افراد واجب النفقه خود را پرداخته یا کسانی که دین خود نسبت به دیگری را به دلیل نداشتن امکانات مالی نداده و بنابه حکم دادگاه به پرداخت مالی محکوم شده و در اجرای ماده (۲) قانون مارالذکر بنابه درخواست محکوم له روانه زندان شده اند. سؤالی که در اینجا به ذهن می رسد، این است که «هدف از زندانی نمودن این افراد چیست.» اگر هدف به مجازات رساندن کسانی باشد که به تعهد خود از نظر اخلاقی و قانونی عمل ننموده اند، در این حال بایستی عمل ارتكابی آن ها مشمول یکی از عناوین مجرمانه مذکور در قوانین جزایی کشورمان باشد که در ما نحن فیه چنین نیست. اگر هدف اجبار شخص به انجام تعهد و پرداخت دین باشد، آیا برای جامعه مناسب خواهد بود فردی را که هیچ عمل مجرمانه ای انجام نداده، برای اجبار به انجام تعهدش، روانه محیط زندان نموده و بعضاً برای مدت های طولانی او را در آن محل نگهدارند؟ جالب این که در بسیاری از موارد این کار هیچ نتیجه ای برای جامعه و محکوم له نداشته و برای رهایی این افراد از زندان مسئولین خیر خواه جامعه با برگزاری مراسم هایی با

عناوین مختلف از جمله جشن گلریزان از افراد خیر جامعه دعوت و درخواست و خواهش می کنند که با هبه نمودن بخشی از اموال خود موجبات آزادی این قبیل افراد را فراهم آورند. آیا بهتر نیست به جای این همه فعالیت و کار بی نتیجه، با آگاه نمودن مردم در مسائل حقوقی نسبت به لغو ماده (۲) قانون مورد بحث اقدام نموده و بدین وسیله موجبات آزادی جمعیت نسبتاً زیادی از زندانیان را فراهم نموده و اجازه فعالیت و حضور در اجتماع را به آن ها بدهیم؟

۶- زندان برای پاره ای از مجرمین مفید است و برای عده ای دیگر نه تنها مفید نیست بلکه زیانبار هم هست. در مورد مجرمین یقه سفید^(۸۸) یا مجرمینی که اتفاقاً دست به ارتکاب جرمی زده، زندان بسیار جنبه بازدارنده دارد، به حدی که بعضی از این گروه ها - که معمولاً افراد آبرودار و متشخص اند - حاضرند ضرر و زیان های متعددی را تحمل کنند ولی به اصطلاح یک شب در زندان نمانند. در مقابل نیز عده ای هستند که زندان برای آن ها حکم استراحتگاه را دارد و کلاس جرم آموزی و جرم افزایی برای آن ها است. اینان هیچگاه حاضر به احرای مجازات جریمه یا شلاق نیستند. پس بهتر است در انتخاب مجازات حبس، شخصیت مرتکب جرم مدنظر قرار داده شده و از افزایش بی مورد و بی نتیجه جمعیت کیفری زندان ها با عنوان مجازات خودداری شود.

نتیجه:

با وجود کوشش هایی که توسط دولت های پیشرفته در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان ها تحت تأثیر مطالعات جرم شناسی و به خصوص



کیفرشناسی، انجام شده است، در کشور ما به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها در این راستا فعالیتی از جانب قانون گذار مشاهده نشده بلکه برعکس قانون گذار قوانین متعددی تصویب نموده که در آن ها حبس به عنوان مجازات اصلی پیش بینی شده است؛ به طوری که حدوداً در قوانین کیفری ما ۴۰۰ نوع جرم وجود دارد که برای مجرمین مجازات حبس را در نظر گرفته است. از این بدتر آن که به موجب قوانین دیگری حتی محکومان به پرداخت دین هم وادار به تحمل حبس شده اند. بدیهی است وقتی ماده (۶۴۱) قانون مجازات اسلامی برای جرم کم اهمیتی مثل مزاحمت تلفنی ۶ ماه مجازات حبس در نظر گرفته باشد،^(۱۹) وقتی محکوم علیه پرونده حقوقی روانه زندان بشود، زندان دیگر آن ابهت و سودمندی خود را از دست می دهد. زندان باید همواره جایگاه بزهکارانی باشد که راه دیگری برای امید به اصلاح آنان نیست. هم چنان که در طول بحث اشاره شد نزدیک ۴۳ درصد زندانیان کم تر از ۱۰ روز در زندان بوده و بعداً آزاد شده اند. آیت ... هاشمی شاهرودی در دیدار با کمیسار یای عالی حقوق بشر در تاریخ ۷۹/۱۲/۱ در خصوص مجازات زندان بیان داشته اند: «مجازات زندان با این وضعی که فعلاً در کشور وجود دارد، نه با مبانی شریعت اسلامی تطبیق دارد و نه به مصلحت جامعه است. فقط کپی نظام کیفری برخی از کشورهای خارجی است.»^(۲۰) زندان نباید آن اندازه ارزان باشد که بدون توجه به روحیات و اخلاقیات و رفتار هر خلافکاری درهای آن به روی آن ها گشوده شود؛ بلکه زندان را بایستی برای مجرمینی در نظر گرفت که طی یک دوره ی تربیتی، برایشان مفید تشخیص داده شود.

کوتاه مدت در زندان های عمومی که امکان آموزش هیچ حرفه ای در آن مدت وجود ندارد، برای مجرمین، به خصوص مجرمین جوان مضر نیست. در متون معتبر فقهی، مجازات چند مورد خاص از جرایم حبس دانسته شده است برعکس در قوانین موضوعه متأسفانه این امر رعایت نشده است. اگر به فلسفه ی مجازات در دین اسلام بنگریم، ملاحظه خواهیم کرد که هدف غایی از اعمال مجازات اصلاح مجرمان است و تنها یکی از طرق اصلاح حبس یا سلب آزادی می باشد.

امیدواریم که با انجام مطالعات بیشتر در راستای یافتن راهکارها و جایگزین های عملی مجازات حبس، به خصوص حبس کوتاه مدت بتوانیم در جهت اصلاح مجرمان کوشیده و از افزایش جمعیت کیفری زندان ها و مراکز بازپروری جلوگیری به عمل آوریم.

پی نوشت ها:

(۱۱) رئیس دادگستری استان سیستان و بلوچستان، نشریه ماوی، چهارشنبه ۸۲/۶/۱۵ شماره ۲۱۱.

(۱۲) خاکپور، شهرام، روزنامه حمایت، شماره ۹۶۰، مورخ ۸۵/۷/۱۵، ص ۶.

(۱۳) خانم بروجردی، اشرف، دبیر شورای اجتماعی کشور، به نقل از سایت ایران امروز مورخ ۱۶ آبان ماه ۸۲.

(۱۴) ماده (۲۲) ق.م.ع: در کلیه اتهامات از درجه جنحه به استثنای جنحه های باب دوم قانون مجازات عمومی، هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید. دادستان راساً می تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره های ۱ و ۲ ماده (۴۰) مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی معلق سازد:

۱- اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد؛

۲- متهم سابقه محکومیت کیفری موثری نداشته باشد؛

۳- شاکای یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را استرداد کرده باشد.

(۱۵) ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی: در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت

شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید. الف) محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات های زیر نداشته باشد:

۱- محکومیت قطعی به حد؛

۲- محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو؛

۳- محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرایم عمدی؛

۴- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال؛

۵- سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت جرمهای عمدی با هر میزان مجازات.

ب) دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

تبصره: در محکومیت های غیر تعزیری و بازدارنده، تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعاً و قانوناً تعیین شده باشد.

(۱۶) ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی کیفری: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.

(۱۷) ماده (۲): هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنان چه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد.

تبصره: چنان چه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه ی مدیون باشد، دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین، در صورتی مقررات فوق اعمال می شود که عین موجود نباشد؛ به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد. (۱۸) بزهکار یقه سفید فردی منظم و از نظر اجتماعی، سازش یافته و انطباق پذیر است. این نوع بزهکار، فردی است که متعلق به رده ی اجتماعی-اقتصادی بالای جامعه است و قوانینی را که حاکم بر فعالیت های حرفه ای او می باشد، کرا را نقض می کند.

(۱۹) ماده (۶۴۱) قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

(۲۰) به نقل از صحیفه عدالت، جلد دوم، ص ۴۰۶.